

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

پس در آیه 23 سوره عنکبوت نکته محوری که داشت این بود که «انکار لقاء خدا و انکار معاد» يك عذاب دنیوی دارد و آن «اولئك یئسوا من رحمتی» است و یک عذاب اخروی که عبارت است از: «اولئك لهم عذاب الیم».

دیدگاه شوکانی پیرامون آیه «یئسوا من رحمتی»

با مراجعه به تفاسیر، از کسانی که «یئسوا من رحمتی» را مربوط به دنیا قرار داده، مرحوم شوکانی است که ایشان تصریح می‌کند و می‌گوید «أی: إنهم فی الدنيا آیسون من رحمة الله در دنیا مأیوس از رحمت خدا هستند، «لم ینجع فیهم ما نزل من کتب الله، و لا ما أخبرتهم به رسله»^[1] نه کتب الهی در مورد آنها فایده‌ای دارد و نه رسل الهی در مورد اینها فایده‌ای دارد.

مناقشه در کلام طبرانی

طبرانی (متوفای 360) در التفسیر الکبیر ایشان می‌گوید: «یئسوا یعنی یئسوا من جنتی فی الآخرة»، به عبارتی می‌خواهد بگوید: «اولئك یئسوا من رحمتی و اولئك لهم عذاب الیم» این دو تا خصوصیت، مربوط به قیامت است به این معنا که: 1. از بهشت کاملاً مأیوس می‌شوند. 2. در همان قیامت گرفتار عذاب الیم می‌شوند که اشکالش را قبلاً بیان کردیم، وقتی که اینها گرفتار عذاب الیم در قیامت هستند یأس از بهشت و جنت خدا، چیز مهمی نیست، لذا با این قرائن و توضیحات باید گفت: «اولئك یئسوا من رحمتی» مربوط به دنیا است و در همین دنیا، مأیوس از رحمت خدا هستند و مأیوس از رحمت خدا؛ یعنی لطف خدا شامل حال اینها در هدایت نمی‌شود.

احتمالات موجود در عبارت «کما یئس الکفار من اصحاب القبور» از آیه 13 سوره مبارکه ممتحنه

در مورد «قد یئسوا من الآخرة» نسبت به آیه‌ی شریفه «یا أیها الذین آمنوا لا تتولوا قوماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یئسوا مِنَ الْآخِرَةِ کَمَا یئسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ» احتمالاتی ذکر شد و از میان آن احتمالات مذکور، بیان شد که «قد یئسوا من الآخرة» از باب این نیست که «یئسوا من النجاة فی الآخرة یا من الثواب فی الآخرة» بلکه «یئسوا» همان گونه که صاحب کنز الدقایق می‌گوید: «لعلهم بأن لا حظ لهم فیها» اینها وقتی با پیامبر مخالفت می‌کنند و وقتی کافر هستند یقین دارند به اینکه حظی در آخرت ندارند، یعنی در همین دنیا «قد یئسوا فی الدنيا من الآخرة» نه اینکه «قد یئسوا فی الآخرة من الآخرة» و شاهدش هم این است که دنباله‌ی آیه می‌فرمایند «کما یئس الکفار من اصحاب القبور».

و در مورد «كَمَا يَأْسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ» دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: این است «كما يئس منكر البعث من الموتى المدفونين في القبور» منكرين بعث، از موتای مدفون در قبور که الآن زنده هستند، کفاری که الآن زنده هستند نسبت به افرادی که مرده‌اند، چطور اینها مأیوس هستند، می‌گویند اینها تمام شد، اینها دیگر فانی شدند از بین رفتند و نه زنده می‌شوند و نه به يك وجود حی دیگری تبدیل می‌شوند، زیرا کفار معتقدند که «إن هی إلا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا»، لذا همان طوری که اصحاب قبور از بین رفتند ما هم از بین می‌رویم.

پس این کفار از اهل قبور که الآن زنده هستند، چطور این کفار معتقدند، اهل قبور برای همیشه از بین رفته‌اند و از اینکه خداوند متعال دو مرتبه اینها را زنده کند مأیوس اند، این یهود هم از ثواب در آخرت اینطور مأیوس هستند.

احتمال دوم: این است که «من» در آیه شریفه بیانیه باشد یعنی کفاری که مدفون در این قبور هستند، چطور برای این کفار یأس از ثواب و نجات در آخرت است و آنها در آن عالم می‌فهمند که بدبخت شدن و مسیر آنها جهنم است و راهی برای نجات‌شان نیست، این «يئسوا من الآخرة» هم اینطور است؛ یعنی این یهودی هم که الآن در دنیا مغضوب علیهم هستند، در همین دنیا مأیوس از ثواب و یا نجات در آخرت هستند.

مرحوم علامه طباطبائی در المیزان می‌فرماید: «و المعنى: قد يئس اليهود من ثواب الآخرة كما يئس منكر البعث من الموتى المدفونين في القبور»^[2] چون یهود آخرت را قبول دارد آنجا هم «يئسوا من الآخرة» دارد لذا اهل کتاب را می‌گوید، اهل کتابی که آخرت را قبول دارند اما می‌توان به اینها گفت: وقتی مسلمان نشوید، در قیامت حظی ندارید در نتیجه از ثواب آخرت مأیوس می‌شوند.

پس در آیه شریفه دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول: مراد کفار زنده از اهل قبور است، احتمال دوم: کفاری که خودشان مُرده‌اند و در قبور هستند، حالا اگر «من» تبعیضیه گرفته شود باز نتیجه‌اش با این معنای دوم یکی می‌شود، یعنی بعضی از این قبور و اصحاب القبور که کفار هستند، مأیوس از رحمت الهی هستند.

احتمال برگزیده از میان دو احتمال مذکور

مرحوم آقای طباطبائی می‌فرماید: و المراد به کفار در آیه شریفه «يئسوا من الآخرة كما يئس الكفار من أصحاب القبور» یا منكرين یأس و یا مشكرين مکه است «و الجملة بيان لشقائهم الخالد و هلاكهم المؤبد»^[3] این جمله «قد يئسوا من الآخرة كما يئس الكفار» در مقام بیان این است که این کفار و این مشرکین شقی هستند و هلاکت ابدی دارند لذا مؤمنین اینها را مورد محبت و طرف دوستی خودشان قرار ندهند «ليحذر المؤمنون من مولاتهم و موادتهم و الاختلاط بهم و المعنى: قد يئس اليهود من ثواب الآخرة كما يئس منكر البعث من الموتى المدفونين في القبور»، در این هنگام اگر قسمت اول را به اهل کتاب و قسمت دوم را به مشرکین معنا شود، باید بگوئیم خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: این اهل کتاب، یکی از آن اوصاف مشرکین را دارند، یعنی بر اساس احتمال دوم، چطور مشرکینی که خودشان از دنیا رفته‌اند و در آن عالم برای آنها یأس از ثواب و نجات است، این یهود هم که در این دنیا هستند مأیوس از آخرت هستند.

پس اگر کفار، طبق احتمال دوم معنا شود، تعبیر خیلی خوبی می‌شود به این بیان: کفاری که مرده‌اند، چطور در عالم برزخ، یأس از نجات و ثواب و رحمت الهی هستند، این یهودی هم که در دنیا «غضب الله علیهم» است، حالت یأسی از آخرت دارند، البته یأس‌شان «فی الدنیا» است نه «فی الآخرة»، چون اگر «فی الآخرة» باشد تشبیه معنا ندارد، همان طوری که کفار در قبور مأیوس‌اند اینها هم در آخرت مأیوس‌اند، می‌گوئیم این اصلاً معنایی ندارد. اما اگر «یأس» مربوط به دنیا باشد یعنی این یهود

«يُتْسَوُا فِي الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ»، چون فرمایش پیامبر(صلی الله علیه وآله و سلم) و قرآن کریم، دلالت بر این دارد که بهشت و رحمت الهی مختص به مسلمانان است، مختص به مؤمنان به این دین است «و من یبتغ غیر الاسلام دیناً»^[4] بنا بر اینکه اسلام، همین اسلام در مقابل ادیان دیگر است.

بنابراین در تشبیه، معنای دوم اولی است یعنی همان کفاری که در عالم قبر الان مایوس از رحمت خداوند هستند این یهود هم الآن باطنشان این چنین است که در همین دنیا مایوس از رحمت خدا هستند. پس «یُتْسَوُا» در این آیه و «یُتْسَوُا مِنْ رَحْمَتِي» یعنی یُتْسَوُا در همین عالم دنیا.

مراد از کفر در آیه شریفه «لَا تَبْتَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^[5]

در فقه «یأس از رحمت خدا» را نمی‌گویند موجب کفر است بلکه می‌گویند: از گناهان کبیره است، اگر کسی «یأس از رحمت خدا» پیدا کرد نمی‌گویند این از دین خارج شده یا کافر شده، در حالی که آیه می‌فرماید: این موجب کفر است «لَا تَبْتَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ» شما مایوس از رحمت خدا نباشید، بعد می‌فرماید «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» از رحمت خدا مایوس نمی‌شود مگر قوم کافر، یعنی اگر شما مؤمنین هم از رحمت خدا مایوس شدید کافر هستید، ظاهر آیه شریفه این است که «یأس از رحمت خدا» موجب کفر است. اگر ظاهر آیه این باشد «فكيف التوفيق» بین مدلول این آیه و آنچه که فقهای عامه و خاصه قائل‌اند؟ «یأس از رحمت خدا» از گناهان کبیره است و بعضی می‌گویند من اکبر الكبائر است.

اما تقسیم گناه به کبیره و صغیره درست است یا نه؟ قبلاً مفصل بحث شد و اثبات کردیم که این تقسیم درست است و اینکه بعضی از فقها حتی فقهای موجود قائل‌اند: «کل ذنب کبیر» منتهی می‌گویند هر ذنبی نسبت به مافوقش صغیر و نسبت به مادونش کبیر می‌شود، کلام نادرستی است بلکه تقسیم گناه به کبیره و صغیره درست است و در آن روایات مربوط به گناهان کبیره هم، «یأس از رحمت خدا»، جزء گناهان کبیره شمرده شده.

حال سؤال این است، این آیه شریفه که می‌فرماید: «یأس از رحمت خدا» موجب کفر است آیا اینجا نمی‌توان گفت مراد از کافر، کفر فقهی نیست بلکه کفر عملی است! حالا اگر آیه حمل بر کفر عملی شود آیا آن روایاتی هم که می‌گوید «یأس از رحمت خدا» از اکبر کبائر است این هم حمل بر کفر عملی شود؟ در حالی که در قرآن همانطوری که قبلاً ذکر شد، از خصوصیات کافر این است که همواره مایوس است.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] فتح القدیر، ج 4، ص: 229.

[2] و قوله: «يُتْسَوُا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَتَّسِرُ الْكَفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ» المراد بالآخرة ثوابها، و المراد بالكفار الكافرون بالله المنكرون للبعث، و قيل: المراد مشركو مكة و اللام للعهد، و «مِنْ» فِي «مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ» لابتداء الغاية. و الجملة بيان لشقائهم الخالد و هلاكهم المؤبد ليحذر المؤمنون من موالاتهم و موادتهم و الاختلاط بهم و المعنى: قد يتَّسِرُ لليهود من ثواب الآخرة كما يتَّسِرُ منكرو البعث من الموتى المدفونين في القبور.

و قيل: المراد بالكفار الذين يدفنون الموتى و يوارونهم في الأرض - من الكفر بمعنى الستر - و قيل: المراد بهم كفار الموتى و «مِنْ» بيانية و المعنى: يتَّسِرُ من ثواب الآخرة كما يتَّسِرُ الكفار المدفونون في القبور منه لقوله: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ماتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ»: البقرة: 161. الميزان في تفسير القرآن، ج 19، 243.

[3] هـمان.

[4] وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» آل عمران، 85.

[5] يَا بَنِي آدَمَ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُّوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يِيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ، يوسف، 87.